



اندیشه‌های سیاسی - اجتماعی در شعر نو

نویسنده:

محمد جواد فرزادی مهر

سرشناسه	فرزادی مهر، ممدمواد
عنوان و نام پدیدآور	اندیشه‌های سیاسی - اجتماعی در شعر نو/ نویسنده ممدمواد فرزادی مهر.
مشخصات نشر	مشهد: نشر الف، ۱۳۸۷.
مشخصات ظاهری	۱۶۰ ص.
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۲۵۵۰-۴۰-۱
وضعیت فهرست‌نویسی	فایپا
موضوع	شعر آزاد - تاریخ و نقد
موضوع	شعر فارسی - قرن ۱۴ - تاریخ و نقد
رده‌بندی کنگره	PIR :
رده‌بندی دیوپی	۸(۷۱)/۶۲۰۹
شماره کتابشناسی ملی	۱۶۶۰۱۱۰



نشر الف

مشهد مقدس: بلوار معلم - ابتدای معلم ۳۶ - پلاک ۱۴۲ - طبقه پایین - انتشارات الف

تلفن: ۸۹۳۰۰۹۲ - ۸۵۹۸۲۸۸ - ۵۱۱ - ۵۱۱ - ۸۹۳۰۰۹۱ فکس: ۵۱۱ - ۵۱۱ - ۸۹۳۰۰۹۱ همراه: ۹۱۵۱۱۵۷۹۲۰

اندیشه‌های سیاسی - اجتماعی در شعر نو

ممدمواد فرزادی مهر

حروفچینی و صفحه‌پردازی: آتلیه نشر الف (۸۹۳۰۰۹۲)

تعداد صفحات: ۱۶۰ صفحه - وزیری

چاپ: دقت

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۸

قیمت: ۲۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۵۵۰-۴۰-۱

حق چاپ، محفوظ.

فهرست مطالب

۷.....	مقدمه
۱۱.....	نیمایوشیج
۱۴.....	ققنوس
۱۹.....	وای بر من
۲۲.....	آی آدم‌ها
۲۶.....	پادشاه فتح
۳۰.....	مهتاب
۳۵.....	مرغ آمین
۳۹.....	داروگ
۴۱.....	خانه‌ام ابری‌ست
۴۳.....	دل فولادم
۴۵.....	هست شب
۴۹.....	مهدی اخوان ثالث
۵۴.....	زمستان

۵۶	آن گاه پس از تندر
۵۸	چاووشی
۶۰	ناگه غروب کدام ستاره؟
۶۵	احمد شاملو
۷۲	از مرگ...
۷۳	بچه‌های اعماق
۷۵	مرثیه
۸۳	سهراب سپهری
۸۵	مجموعه «مرگ رنگ»
۸۸	مجموعه‌ی «زندگی خواب‌ها»
۸۹	مجموعه‌ی «آوار آفتاب»
۹۰	مجموعه‌ی «شرق اندوه»
۹۳	مجموعه‌ی «حجم سبز»
۹۷	«صدای پای آب» و «مسافر»
۹۹	منظومه‌ی «مسافر»
۱۰۱	منظومه‌ی «صدای پای آب»
۱۱۳	سیاوش کسرایی
۱۱۴	آرش کمان‌گیر
۱۲۱	هوشنگ ابتهاج (سایه)
۱۲۳	شبگیر
۱۲۵	فریدون مشیری

- چرا از مرگ می‌ترسید؟ ۱۲۶
- غبار آبی..... ۱۲۸
- بهار را باور کن ۱۳۱
- اشکی در گذرگاه تاریخ ۱۳۴
- فروغ فرخزاد..... ۱۳۹
- آیه‌های زمینی ۱۴۸
- پرنده فقط یک پرنده بود ۱۵۴
- تولدی دیگر..... ۱۵۵
- منابع و مأخذ ۱۵۹

مقدمه

بدیهی است که تحول در ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ... برای نهادینه شدن، نیاز به پشتوانه‌های فکری - فلسفی تازه دارد، لذا تغییر و تحول در ساختارهای بیرونی جامعه، بنیادهای سنتی فکری و فرهنگی را هم در معرض تردید و تزلزل قرار می‌دهد، لاجرم سنت‌های ادبی نیز دستخوش شکست و گسست‌های شدیدی می‌شوند.

به قول ویکتور هوگو:

«قاطع‌ترین نتیجه‌ی مستقیم یک انقلاب سیاسی، یک انقلاب ادبی است.»

نیما نیز معتقد بود: «در هیچ جای دنیا آثار و احساسات نهفته و تضمین شده در آن عوض نشده‌اند مگر در دنباله‌ی عوض شدن شکل زندگی اجتماعی» تغییر و تحولات اجتماعی (سیاسی، اقتصادی...) منجر به تغییر نحوه‌ی زندگی و بینش و نهایتاً نحوه‌ی بیان می‌گردد.

شعر فارسی، باید بنا به ضرورت تاریخی و اجتماعی جامعه‌ی فاخر و اشرافی را از تن به در آورد و به فراخنای میدان و کوچه و بازار گام نهد و برخوردار از

شوری تمام و شعوری نسبی با مردم همگام و هم‌نفس گردد. به فراخور این دگرگونی و دگردیسی، ماده و ماهیت شعر نیز در بوته‌ی نقد و بازنگری قرار می‌گیرد تا به تعریف و تفسیری مناسب با شرایط اجتماعی آراسته شود؛ این گونه شعر، غالباً به عنوان ابزاری فرهنگی در خدمت آرمان‌های اجتماعی و انسانی قرار خواهد گرفت و شاعر نیز می‌کوشد تا با بهره‌گیری مناسب از این ابزار، به رسالت مفروض خود یعنی بیدارگری اجتماعی هر چه پرشورتر و مؤثرانه‌تر روی می‌آورد. «شعر اجتماعی» شعری است با جان و جوهری جامعه‌گرا و انسان‌مدار بر پایه‌ی فلسفه‌ی تکامل تاریخ که بیانگر آرمان‌های جمعی مردم است. در این قلمرو شاعر با هدف بیدارگری و ارتقای بینش و ادراک توده‌های مردم، همگام و هم‌پیوند با عواطف و اندیشه‌های آنان به میدان می‌آید و می‌کوشد تا بازتاب صادق زمانه‌ی خود باشد، در این جا، شاعر هم با احساس خواننده سروکار دارد و هم با ادراک اندیشه‌ی او.

شاعر باید عواطف و اندیشه‌های اجتماعی - سیاسی را در کارگاه ذهنیت خلاق و بینش برتر شاعرانه مورد پالایش و استحاله‌ی هنری قرار دهد تا به آفرینش اصیل هنری دست یابد و گرنه حاصل کار او چیزی جز مشتی خطابه و شعار شبه شاعرانه نخواهد بود. شعر اجتماعی - سیاسی نیاز به بیانی کوبنده، پر تپش و هیجان‌آفرین دارد تا سستی و رخوت را از ذهن و جان خواننده بزدايد و شور و شعور ناب او را به اهتزاز در آورد.

شاعر اجتماعی مخاطب را به لمس خالص زندگی - با همه‌ی زیر و بم‌هایش - فرا می‌خواند.

بعد از دوران مشروطیت، با پدیده‌ای نو مواجه می‌شویم که «نیمای» سردمدار آن است و برخلاف شیوه‌های مألوف خیالبندی در شعر قدیم، می‌کوشد تا با تکیه بر درک و دریافت‌های فردی از محیط پیرامون، دید عینی (objective) را جایگزین نگرش ذهنی (subjective) نماید تا شعرش حاصل ضربان اندیشگی و عاطفی خودش باشد نه زاییده تقلید و تفتن. نیما بین جهان ذهنی خود و جهان عینی پیش رو، تعامل خاص شاعرانه برقرار می‌کند که زاده‌ی ادراکات حسی و عمیق و درونی شده است؛ شعر نیما اگر چه سرآغاز شعر مبارزه‌جوی سیاسی در نسل پسین است اما شعر سیاسی به معنای محدود کلمه نیست بلکه از یک روح رمانتیک انسان باورانه سرشار است؛ شعری است غم‌آلود و بی‌انگر درد غربت از طبیعت، غربت از ذات انسانیت. برجستگی ویژه‌ی اشعار جامعه‌گرایی نیما، بیان نمادین و پر ابهام آن است که بعضاً به نارسایی ساختاری شعر او می‌افزاید. بخاطر همین ذهن و زبان مبهم نیماست که اغلب آثارش به‌رغم شناسنامه‌ی خاص تاریخی - اجتماعی، قابلیت تأویل براساس «افق انتظارات خواننده» را دارند، مثلاً وقتی در شعر «وای بر من» می‌گوید:

«به کجای این شب تیره بیاویزم قبابی ژنده‌ی خود را»

برخی آن را گویای بی‌پناهی بیم‌آلود شاعر در فضای منحرف استبداد رضاخانی می‌دانند و برخی آن را نشان بحران هویت شاعر می‌پندارند و معتقدند که نیما به عنوان «مظهر انسان نفسانی» در اینجا، سرگشتگی روحی خود را به نمایش گذاشته است. اصولاً اشعار سمبولیک نیما را می‌توان نخستین تجارب شعر نو سمبولیک اجتماعی دانست.

پس از نیما نیز شاعرانی چون اسماعیل شاهرودی، منوچهر شیبانی، احمد

شاملو، اخوان ثالث، سیاوش کسرایی، فروغ فرخزاد، هوشنگ ابتهاج، شفیعی کدکنی، اسماعیل خویی، حمید مصدق و... باعث رشد و تکامل این جریان شعری شدند. در اینجا به اندیشه‌های سیاسی - اجتماعی در شعر چند شاعر و از جمله «نیمای» می‌پردازیم و امید است با تحلیل این اشعار، سهم بیدارگری شعر نو را در اجتماع و نیز عرصه‌ی سیاسی کشور تا حدی بیان کرده باشیم.